

تأثیرات آموزش آنلاین بر الگوهای هویتی - تربیتی^۱

نصیبه عبدی پور^۲

پرویز جمشیدی مهر^۳

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیرات آموزش آنلاین بر الگوهای تربیتی- هویتی فراگیران است. روش مورد استفاده توصیفی- تحلیلی با استفاده از نظریه بحران هویت اریکسون می‌باشد. وی اولین کسی هست که هویت را به‌عنوان دستاورد مهم شخصیت نوجوانی و گامی مهم به سوی تبدیل شدن به فردی ثمربخش تشخیص داد. در این دوره احساس تعلق فرهنگی، درک اخلاقی و خود انگاره مردانه و زنانه در سال‌های نوجوانی اصلاح می‌شوند. ابزار پژوهش با استفاده از داده‌های کتابخانه ای و اینترنتی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با استفاده از نظریه اریکسون نشان می‌دهد که باتوجه به حساسیت سن دانش‌آموزان در این مقطع زمانی و عدم برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی قوی به منظور استفاده از فضای مجازی به نظر می‌رسد که این فضا به دلیل تنوع الگوهای ارائه شده، ناشناس بودن هویت اصلی افراد، پیچیده بودن و فضای متنوع آن دچار بحران هویت می‌شوند. آنچه این مقاله در پی آن است دغدغه کلان تری است که به آن اشاره می‌شود. در فضای فعلی به دلیل گسترش ویروس کرونا و به تعطیلی کشاندن تدریس حضوری و روی آوردن به آموزش مجازی باعث دسترسی خیل عظیمی از دانش‌آموزان به این فضا شده است.

واژه های کلیدی: هویت، نوجوانی، اریکسون، فضای مجازی، آموزش، تربیت دینی

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۳/۲۷

تأیید نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی: abdipour197@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه اصفهان و مدرس معارف دانشگاه فرهنگیان اصفهان؛ (نویسنده مسوول)
parvizjamshidi1366@gmail.com

۱- مقدمه:

از مهم ترین دوره زندگی هر انسانی، دوره نوجوانی می باشد. روان شناسان شروع دوره نوجوانی را در پسران بین ۱۳ تا ۲۲ سالگی و در دختران بین ۱۲ تا ۲۱ سالگی می دانند (کمر زرین، ۱۳۹۳: ۸). در تعریف دیگری در کتاب زمینه روان شناسی هیلگارد نوجوانی به دوره گذار از کودکی به بزرگسالی اطلاق می شود و محدوده سنی آن هم از دوازده تا نوزده سالگی را شامل می شود (تکینسون، ۱۳۸۴: ۹۶). به طور کلی در دوره نوجوانی، نوجوان دچار تغییرات جسمی و روحی می شود؛ به طوری که برخی از روان شناسان این دوره را دوران طوفان و آشوب می دانند. از مهم ترین تغییرات روحی در این دوره می توان به خودآگاهی، حساسیت و زود رنجی، رقابت با والدین و دلبستگی های سائق، هیجانی بودن، ناسازگاری و بحث هویت یابی اشاره کرد. در نتیجه تغییراتی که اشاره شد این مطلب است که توجه نوجوان بتدریج به سوی خودش کشانده می شود و در اصطلاح خودآگاه می گردد. و در نتیجه این فرآیند ممکن است هر نوع عیب و نقصی را بزرگ تر از آنچه هست، تصور کرده و در پی آن نگران و دلواپس شود. در واقع تغییرات این دوره چنان زیاد است که نوجوان درک درستی از خودش ندارد (اسپاک، ۱۳۶۴: ۴۸۸).

درواقع، دستیابی به هویت از ویژگی های مهم رشد روانی - اجتماعی دوره نوجوانی است. انتخاب ارزش ها، باورها و هدف های زندگی مشخصه های اصلی این هویت را شکل می دهند و این ارزش ها در طول زندگی ممکن است بارها مورد تجدیدنظر قرار گیرند. اولین روان شناسی که ایجاد هویت را به عنوان مهم ترین عامل پیشرفت شخصیت در دوره نوجوانی مطرح کرد، اریکسون می باشد. وی به عنوان روانکاو آلمانی - آمریکایی درباره رشد روانی انسان و بحران هایی که در همه دوره های زندگی روی می دهند یک نظریه جدید جالب و بسیار تأثیرگذار ارائه داده است. نظریه اش ریشه در مشاغل وی دارد. اریکسون ابتدا به عنوان معلم و روانکاو کودک بعد به عنوان محقق انسان شناسی و سرانجام به عنوان زندگی نامه نویس بود. وی برخلاف فروید به جای اینکه از سیستم عصبی فرد شروع کند، روی مرز بین کودکی و محیط تمرکز کرد و بعد به او در حال رشد و پخته شدن به پرداخت و رابطه آن با دنیای اجتماعی در حال توسعه را ترسیم نمود. اریکسون رابطه با خانواده و نهادهای اجتماعی بزرگ تر و دوراهی ها یا نقطه تصمیم گیری را کشف کرد که در نقطه پایان یک مرحله از زندگی نقطه آغاز و در مرحله بعدی یعنی در کودکی، نوجوانی و اوایل و اواخر بزرگسال روی می دهند (سادوک، ۱۳۹۳: ۳۲۲).

رویکرد جدیدی که در آموزش کنونی در جریان است، آموزش الکترونیکی است. آموزش الکترونیکی شامل استفاده از ابزارهای دیجیتالی برای آموزش و یادگیری است. این از ابزارهای فن آوری استفاده می کند تا زبان آموزان را قادر به مطالعه در هر زمان و هر مکان قرار دهد. این فرایند آموزش، ارائه دانش و بازخورد است. دانش آموزان را به تعامل با یکدیگر، تبادل و احترام به دیدگاه های مختلف تحریک می کند. این ارتباط را آسان می کند و روابطی را که یادگیری را حفظ می کنند بهبود می بخشد (آرکورفول^۱، ۲۰۱۵: ۳۶). فرض ما بر این است که وضعیت کنونی پیش آمده به دلیل حجم بی سابقه دسترسی به فضای مجازی و اینترنت که به خاطر آموزش مجازی فراهم گردید، ناخواسته فراگیران را با فضای ناشناخته ای آشنا خواهد کرد که نتایج منفی در بحث هویت برای آنان به ارمغان خواهد آورد.

در ارتباط با پیشینه موضوع زارع و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی باهدف اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر وابستگی به فضای مجازی و قلدری سایبری در نوجوانان منطقه سه شهر تهران با روش نیمه آزمایشی از نوع

پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل انجام گرفت، دریافتند که آموزش مهارت‌های زندگی باعث کاهش وابستگی به فضای مجازی خواهد شد. خضری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی باهدف مطالعه نقش آموزش مجازی در روابط بین‌فردی ادراک شده دانش‌آموزان نسبت به معلمان با روش کیفی و پدیدارشناسی به این نتیجه رسیدند که دیدگاه دانش‌آموز درباره محدود شدن ارتباطاتشان با معلمان، سردرگمی دانش‌آموزان در شرایط جدید، مسائل ماهیتی تفاوت آموزش غیرحضوری و حضوری، نگرانی دانش‌آموزان در رابطه با آماده نبودن زیرساخت‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی در روابط جدید تأثیرگذار بوده است.

خسروی سرشکی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان نقش متقابل آموزش حضوری و مجازی در ارتقای سطح آموزش‌های دینی بر دو روی یک سکه بودن آموزش حضوری و مجازی بر تقویت دغدغه مذکور تأکید کرده است. جعفریان و مؤیدیان (۱۳۹۶) در مقاله با موضوع اثربخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان با استفاده از روش‌های آماری و پرسشنامه به عدم تأثیر آموزش مجازی در تربیت دینی کودکان اشاره نموده‌اند. علی‌پور و شالباف (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان اخلاق آموزش مجازی به بحث اخلاق، پیشگیری از بروز مصادیق غیر اخلاقی در این فضا پرداخته است و یافته‌های ایشان بر ارائه کدبندی‌های خاص توسط محیط داخلی و خارجی فضای مورد نظر تأکید دارد. یزدانی (۱۳۹۳) نیز در مقاله ای با عنوان سنجش اثربخشی نظام آموزش مجازی ضمن خدمت فرهنگیان به بررسی کارایی این روش پرداخته که نتایج حکایت از عدم کارایی بالا و نارضایتی از این نوع آموزش بوده است. آنچه پژوهش فعلی را با نمونه‌های مشابه متمایز می‌کند نگاه بین رشته‌ای به موضوع آموزش مجازی از یک سو و توجه ویژه به اهداف هویتی - تربیتی نظام آموزشی از سوی دیگر هست که در نوع خود بدیع به نظر می‌رسد. به‌رحال با توجه به وضعیت فعلی و استفاده از فضای مجازی در امر آموزش باعث شده تا دانش‌آموزان بدون برنامه‌ریزی و فرهنگ سازی لازم به گوشی‌های مجهز به سیستم‌های اندروید و فضای‌های اجتماعی موجود وارد شوند. این ورود به دلایلی متعدد می‌تواند در فرآیند تعلیم و تربیت مورد انتظار نظام آموزش و پرورش اختلال ایجاد کند. چیزی که اریکسون از روان‌شناسان صاحب نام به بحران هویت تعبیر می‌کند. فرض ما در این پژوهش بر این است که دسترسی به فضای مجازی در کنار ویژگی‌های مثبت، می‌تواند هویت‌یابی دانش‌آموزان را مختل کند. چرا که با وجود فضاهای اجتماعی آن و تنوع مطالب ارائه شده در این حوزه نوجوان را در معرض یادگیری مطالب متفاوت قرار می‌دهد که بسیاری از آنها با جذابیت‌های خاصی به نمایش گذاشته می‌شوند.

۱-۱. روش‌شناسی:

اریکسون در کتاب کودکی و جامعه خاطر نشان می‌سازد که در مرحله هویت در مقابل سردرگمی نقش، نوجوان به دنبال این است که خودش درباره خودش چه احساسی دارد و دیگران راجع به او چه فکر می‌کنند؟ این شرایط را دائم مقایسه می‌کند. مشغله ذهنی دیگر او این است که نقش و مهارت‌های کسب شده در مراحل قبلی را چگونه با مصداق‌های موفق شغلی کردن که با آنها مواجه شده است، ارتباط دهد. نقش‌ها و تخیلات دوران کودکی دیگر مناسب سن و سال او نیستند. ولی نوجوان برای تبدیل شدن به یک بزرگسال اصلاً آمادگی ندارد. اریکسون می‌نویسد: هر اقدامی که در تشکیل هویت فرد روی می‌دهد بسیار فراتر از مجموع همانندسازی‌های دوران کودکی است. این ادغام تجربه تضمین یافته توانایی خود برای ادغام این همانندسازی‌ها با انبوهی از مشکلات با استعداد‌های ناشی از میراث ژنتیک و با فرصت‌های ارائه شده در نقش‌های اجتماعی است (کاپلان، ۱۳۹۳: ۳۲۹).

در واقع اریکسون هویت را به‌عنوان دستاورد مهم زندگی و شخصیت هر فرد دانسته به‌طوری‌که عبور موفقیت‌آمیز در این مرحله موجب تبدیل‌شدن وی به شخص بالارزش و تأثیرگذار در دوره‌های بعد خواهد شد. در بحث تشکیل هویت باید گفت که هویت عبارت است از مشخص کردن چه کسی هستید؟ برای چه چیزی ارزش قائلید؟ چه مسیری را می‌خواهید در زندگی دنبال کنید؟ بوشمن هویت را به‌صورت نظریه روشن درباره خود به‌عنوان عامل منطقی، عاملی که بر اساس عقل عمل می‌کند، مسئولیتی را می‌پذیرد و می‌تواند آنها را توضیح دهد، تعریف کرد (بوشمن^۱، ۱۵۰:۱۹۸۸). این جست و جو برای آنچه در مورد خود درست و واقعی است نیروی پیش‌برنده در پاسخ خیلی از تعهدات جدید است. از جمله احساس تعهد نسبت به جهت‌گیری جنسی، شغلی، روابط میان‌فردی و در آمیختگی با جامعه، عضویت در گروه‌های قومی، آرمان‌های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی. اریکسون تعارض روانی نوجوانی را هویت در برابر سردرگمی هویت نامید و باور داشت که نتایج موفقیت‌آمیز مراحل پیش این زمینه را برای حل مناسب این تعارض آماده می‌سازند. برای مثال نوجوانانی که با درک ضعیف اعتماد به نوجوانی می‌رسند به‌سختی می‌توانند آرمان‌هایی بیابند که با آنها معتقد باشند. نوجوانانی که خودمختاری و ابتکار ناچیزی دارند، گزینه‌ها را به طور فعال بررسی نمی‌کنند. آن‌هایی که فاقد حس سخت‌کوشی هستند نمی‌توانند شغلی را انتخاب کنند که با تمایلات و مهارت‌های آنها هماهنگ باشد. گرچه بذره‌های تشکیل هویت قبلاً کاشته شده‌اند، افراد تا نوجوانی مجذوب این تکلیف نمی‌شوند. به عقیده اریکسون نوجوانان در جوامع پیچیده دچار بحران هویت می‌شوند یک دوره موقتی سردرگمی و پریشانی که قبل از به توافق رسیدن در مورد ارزش‌ها و اهداف، آن را تجربه می‌کنند. نوجوانانی که به فرایند تعمق و تأمل می‌پردازند سرانجام به هویتی پخته دست پیدا می‌کنند. آنها ویژگی‌هایی که خود را توصیف می‌کردند بررسی نموده و با تعهدات جدید ترکیب می‌کنند و هنگامی که نقش‌های متفاوتی را در زندگی روزمره انجام می‌دهند این ویژگی‌ها را به‌صورت یک هسته درونی محکم و یکپارچه شکل می‌دهند و احساس همسانی در آنها ایجاد می‌کند. بعد از اینکه هویت شکل گرفت در بزرگسالی اصلاح می‌شود و این زمانی است که افراد تعهدات خود را مجدداً ارزیابی می‌کنند (برک، ۱۳۸۵: ۶۲). نظریه پردازان جدید با اریکسون موافق‌اند و تردید کردن درباره ارزش‌ها، برنامه‌ها و اولویت‌های خود برای هویت پخته ضروری است، ولی این فرایند را بحران نمی‌دانند. چرا که برای برخی جوانان پرورش هویت ناراحت‌کننده است اما برای اغلب افراد چنین نیست. فرایند کاوش رویکردی تدریجی و بدون حادثه نوجوانان به تشکیل هویت را بهتر توصیف می‌کند. تصمیم متعددی که نوجوانان هر روز می‌گیرند مانند با چه کسی قرار ملاقات بگذارم و با چه افرادی دوست شوم؟ مواد مخدر مصرف کنم و به دانشگاه بروم یا سرکار؟ به کدام دانشگاه؟ چه رشته‌ای درس بخوانم؟ یا اصلاً درس بخوانم یا بازی کنم؟ از لحاظ سیاسی فعال باشد یا خیر و دلایلی که برای آن ها می‌آورند به تدریج در یک ساختار خود سازمان‌یافته کنار هم قرار می‌گیرند (مارسیا^۲، ۱۹۸۰: ۱۶۱).

به‌هرحال و با توجه مراحل نظریه اریکسون، از پیامد منفی مرحله پنجم نظریه وی سردرگمی هویت است. برخی از نوجوانان سطحی و بدون جهت به نظر می‌رسند یا به علت آن است که تعارض‌های قبلی به‌صورت منفی حل شده‌اند یا به‌این‌علت است که جامعه انتخاب‌های آنها را به مواردی محدود کرده است که با توانایی‌ها و تمایلات آنها هماهنگ نیستند. در نتیجه آنها برای چالش‌های روانی بزرگسالی آمادگی ندارند. به‌عنوان مثال اگر آنها در مورد خود و

1 - Moshman

2 - Marcia

هویت خود قاطعیت نداشته باشند که بتوانند به آن رجوع کنند در مرحله اوایل بزرگسالی اریکسون به‌سختی می‌توانند با دیگران صمیمی باشند (برک، ۱۳۸۵: ۶۴).

در همین ارتباط به گفته زیگموند فروید و آنا فروید نوجوانی به دلیل تغییرات فیزیولوژیکی شدیدی که در آن رخ می‌دهد مرحله طغیانی است عقده‌های غریزی و جنسی که در مرحله نهفتگی خاموش هستند اکنون من و مکانیسم‌های دفاعی آن را تهدید به تسلط می‌کند. به‌ویژه از ناحیه جنسی که به انرژی جنسی زیادی اشتباه می‌شود و نوجوان یک‌بار دیگر با تخیلات ادیپی مشکل پیدا می‌کند. اریکسون نیز افزایش شدید انرژی در نوجوانی مخرب می‌داند؛ اما این مسئله را تنها بخشی از مشکلات دوره نوجوانی می‌دانست و معتقد است که نوجوانان به‌واسطه طبقات و تعارضات اجتماعی تازه آشفته و گیج می‌شوند. نخستین تکلیف نوجوان ایجاد حس جدیدی از هویت من است. احساس اینکه چه کسی است و جایگاه او به‌عنوان یک فرد در نظام اجتماعی کجاست؟ بحران این مرحله، هویت در برابر گم‌گشتگی نقش است و بر آن سایه‌های غریزی بی‌تردید در مشکلات هویتی نوجوان نقش دارد. نوجوان به‌طور ناگهانی احساس می‌کند که گویا تکانه‌های خود اراده مستقلی دارند و دیگر بخشی از آن نیستند. علاوه بر این رشد سریع جسمانی در مرحله بلوغ جنسی خود گم‌گشتگی را به وجود می‌آورد. افراد نوجوان ظاهرشان به‌سرعت رشد می‌کنند و تغییر می‌یابند که به‌زحمت خودشان را می‌شناسند. شاید به همین دلیل است که نوجوانان در زمان زیادی را به نگرستن خود در جلوی آینه صرف می‌کنند و به‌ظاهر خودشان بیش از اندازه توجه نشان می‌دهند. اما مشکلات هویتی به همان اندازه وجه اجتماعی نیز دارند. رشد جسمانی یا تکان‌های جنسی به‌خودی‌خود برای فرد جوان مشکل‌ساز نیستند و این فکر وجود دارد چون ممکن است به چشم دیگران خوب جلوه نکند و انتظارات دیگران را برآورده نسازد، خیلی بیشتر از این افراد جوان نگران جایگاه آینده خود در جامعه بزرگ‌تر هستند. همچنین نوجوانان به افزایش سریع نیروی ذهنی‌شان به‌واسطه امکان‌پذیر شدن راه‌های مختلف احساس می‌کنند تحت فشار قرار دارند. چون نوجوانان در مرحله چه کسی هستند از خود اطمینان ندارند بنابراین مستمر به همانندسازی با گروه‌ها گرایش پیدا می‌کنند. آنها می‌توانند به نحو چشمگیری در طرد کسانی که با آنان متفاوت هستند بی‌تحمل، بی‌رحم و فرقه‌گرا باشند (اریکسون، ۱۹۵۹: ۹۲). نوجوانان با شتابی که در یافتن هویت خود دارند از عقاید خود به دیگران و دشمنانشان تصورات قالبی می‌سازند. آنها اغلب خود و دیگران را تحت آزمون وفاداری قرار می‌دهند. بعضی از نوجوانان به صفوف ایدئولوژی‌های مذهبی و سیاسی می‌پیوندند. در تمام این موارد می‌توانیم ببینیم که نوجوانان در جستجوی ارزش‌هایی هستند که برای آنها واقعیت داشته باشند. در مورد شکل‌گیری هویت موضوع حائز اهمیت این است که متوجه باشیم که فرایند هویت‌یابی در تمام دوره زندگی ادامه دارد و تا حدودی از طریق همانندسازی شکل می‌گیرد؛ اگرچه ممکن است از این مسئله آگاهی نداشته باشیم اما همه ما با کسانی که برای من جاذبه دارند، همانندسازی می‌کنیم. بدین ترتیب باید هر شخص یا ترکیبی از همانندسازی‌های نسبی و گوناگون است (اریکسون، ۱۹۵۹: ۱۱۳). ما همچنین هویت را از طریق انجام کارهای خود کسب می‌کنیم. توانایی ایستادن، راه‌رفتن، دویدن، بازی کردن، نقاشی کردن، خواندن و نوشتن همگی در ساختن حس هویت ما نقش دارند. یعنی ما خودمان را به‌عنوان کسی می‌شناسیم که می‌تواند این کار را انجام دهد. انجام‌دادن چنین کارهایی هنگامی که برای فرهنگی ما اهمیت داشته باشند، بخش مثبت و مداومی از هویت را تشکیل می‌دهند (اریکسون، ۱۹۵۹: ۸۹). اگرچه شکل‌گیری هویت فرایندی مداوم در تمام طول زندگی است. اما مسئله هویت‌یابی از بحران‌های دوره نوجوانی محسوب می‌شود و دوره نوجوانی تغییرات درونی

زیادی در نوجوانی رخ می‌دهد و بسیاری از تعهدات آینده برای مطرح می‌شوند. در این زمان به نظر می‌رسد که تقویت هویت پیشین برای تمامی انتخاب‌ها و تصمیماتی که فرد باید اتخاذ کند، ناکافی است (اریکسون، ۱۹۵۹: ۱۲۳). اریکسون برای نمونه از ما می‌خواهد دختر دانشجو جوانی را با زمینه خانوادگی سنتی و محافظه‌کار در نظر بگیریم هنگامی که وارد آن دانشکده می‌شود و افرادی که زمینه خانوادگی متفاوتی دارند برخورد می‌کند که از میان آنها باید دوستانی برای خود انتخاب کند و همچنین باید در مورد مسائل جنسی تصمیم می‌گیرد نشان دهد برای کدام هدف‌های شغلی حاضر به رقابت است.

در این مورد هویت و همانندسازی‌های قبلی او کمک چندانی نمی‌کنند به نظر می‌رسد در این زمان برخی از گذشته را تابید و جنبه‌های دیگر را نفی می‌کند. برای مثال اگر او تصمیم بگیرد از نظر جنسی فعال باشد ممکن است از آن چیزی در گذشته در این باره توسط والدینشان مطرح شده است را نقض کند؛ درحالی‌که این اقدام با بعضی از آرزوهای پنهان خود او همخوانی دارد و می‌خواهد رقابت در این حرفه‌ای مردانه مانند پزشکی یا حقوق را برگزیند، فراتر از برخی از ارزش‌های خانوادگی اظهار وجود کرده است و خود را با دیگران پیوند داده است؛ بنابراین هم‌زمان تصمیماتی را می‌گیرد و تعهداتی را می‌پذیرد و همانندسازی‌های پیشین خود را بازسازی می‌کند و هویت جدید را در خود شکل می‌دهد. وظیفه او این است که برای خویش دیدگاه مسیر اصلی و وحدتی کارآمد از عوامل باقی‌مانده از دوران کودکی و محیط‌هایی که در بزرگسالی انتظار آن را دارد، بسازد (اریکسون، ۱۹۵۸: ۱۴).

بنا بر آنچه ذکر شد شکل‌گیری هویت تا حدود زیادی فرایند ناخودآگاه است. اما نوجوانان قبل از آن توانایی‌های خود در ایجاد تعهدات درازمدت آگاهی دردناکی دارند. آنها احساس می‌کنند که باید در زمان به نسبت کوتاه تصمیمات زیادی را اتخاذ کنند و هر تصمیم از گزینه‌های آینده آنها خواهد کاست (اریکسون، ۱۹۵۸: ۱۲۴). به دلیل اینکه قبول تعهدات مسئولیت کار مشکلی است و آنان وارد دوره مهلت روانی اجتماعی می‌شوند. این دوره انتظار است که در آن شخص خود را درمی‌یابد. با وجود این، نوجوان تعهدات و الزامات را به تعویق می‌اندازد و این به دلیل نیاز درونی او برای اجتناب از تشکیل هویتی پیش‌رس است و از پذیرش زودرس نقش‌های اجتماعی متحجر است. به‌رغم آنکه جستجوی طولانی برای کسب هویت ممکن است دردناک باشد؛ اما در نهایت منجر به شکل‌گیری یکپارچگی شخص و نوآوری‌های برجسته اجتماعی به صورتی عالی‌تر می‌شود. همچنان که مشاهده کردیم بسیاری از نظریه‌پردازان در برابر وسوسه تسلیم‌شدن به هویت‌های شغلی معمول مقاومت کردند. پیازه، فروید و اریکسون همچون بسیاری از افراد دیگر برای دستیابی به حرفه شایسته و واقعی خود زمان زیادی را به جستجو پرداخته‌اند. هرچند برای آنها لذت‌بخش نبود اما در نهایت به روش‌های نوینی از اجراء، تغییراتی پرمعنا در حرفه آنها منجر شد؛ بنابراین تکلیف اساسی نوجوان یافتن شیوه‌هایی از زندگی است که بتواند تعهدات پایداری را برای او به وجود آورد. تلاش این مرحله به من جدیدی منجر می‌شود که سرشار از قدرت وفاداری و تعهدات است و به گونه آزادانه می‌تواند ثبات قدم خود را نشان دهد (اریکسون، ۱۹۶۴: ۱۲۵).

نوجوان به نحوه آشکاری متوجه خویشتن است. نوجوانان در این موضوع هستند که کیستند؟ در چشم دیگران چگونه به نظر می‌رسند و چه چیزی می‌خواهند بشوند. آنها از نظر جنسی مجذوب دیگران و حتی عاشق می‌شوند. اما این‌گونه دلبستگی‌ها به‌جای اینکه واقعی باشند کوششی برای تعریف خویشتن است. نوجوانان در تعاملات خود می‌کوشند از طریق گفتگوی بی‌پایان درباره احساسات خویش دیدگاهشان درباره یکدیگر طرح‌ها، آرزوها و

انتظارا نشان دریا بند که چه کسی هستند. (کرین، ۱۳۹۶: ۳۷۱) این وضعیت هنگامی پیچیده تر می شود که متوجه شویم گرایش دانش آموزان به شبکه های اجتماعی با هویت های متفاوت با آزادی نسبی که در این فضا وجود دارد، هر روز گسترش می یابد.

۲. فضای مجازی و آموزش:

امروزه شرکت ها با تأثیر پیشرفت فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی به تغییر شکل روش های مستقر در خود سوق داده می شود (Kimiloglu, 2017: 342) توسعه فناوری های مدرن، به ویژه اینترنت، از یک سو و تغییر در شیوه های مدیریت، ارتباطات از سوی دیگر در سال های اخیر منجر به تغییر در انواع دانش و راه هایی برای دستیابی به آن شده است. با توجه به اینکه اینترنت در زندگی و استفاده روزمره خود راه یافته است و در حوزه های مختلف سرگرمی و معاملات تجاری، آموزش استفاده از اینترنت به طور طبیعی انتظار می رود. یعنی در حوزه آموزش، اینترنت بستر جهانی را برای ذخیره اطلاعات و ارائه آن به صورت متنی، تصویری، گرافیکی یا هر شکل دیگر ارائه می دهد. همچنین به عنوان ابزاری برای ارتباط همزمان و ناهمزمان عمل می کند (Radović-Marković, 2010: 297).

باید توجه داشت که وقتی معلمان و دانش آموزان اطلاعات را در میان موضوعات و تجربیات ترکیب کنند، دیدگاه های مختلف قابل توجهی را سنجیده و پرسش های گوناگون را در اختیار بگیرند، آموزش می تواند تغییر شکل یابد. مریبان می توانند با پرورش فضاهای مهم یادگیری، چنین فضاهایی را ایجاد کنند که در آن دانش آموزان تشویق می شوند تا ظرفیت های تجزیه و تحلیل، تخیل، سنتز انتقادی، بیان خلاق، خودآگاهی و تعمد را افزایش دهند. آموزش الکترونیکی، یکی از ابزارهای ناشی از فناوری اطلاعات، در بسیاری از برنامه های آموزشی دانشگاه ها ادغام شده است و از شیوه سنتی آموزش به محیط الکترونیکی تغییر یافته است. (Srivastava, 2019: 22)

به عبارت دیگر، توسعه فناوری های چندرسانه ای و اطلاعاتی و همچنین استفاده از اینترنت به عنوان یک تکنیک جدید آموزش، تغییرات اساسی را در روند سنتی آموزش ایجاد کرده است. توسعه در فناوری اطلاعات، گزینه های بیشتری برای آموزش امروز ایجاد کرده است. دستور کار مدارس و مؤسسات آموزشی، آموزش الکترونیکی را به عنوان چشم انداز تحول در مردم، دانش، مهارت و عملکرد شناخته اند. همچنین کالج ها، دانشگاه ها و سایر مؤسسات آموزش عالی برای پیشرفت توانایی دوره آنلاین در یک بازار آموزش سایبری که به سرعت در حال توسعه است، مسابقه می دهند. آموزش الکترونیکی در مؤسسات آموزشی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. معرفی و گسترش طیف وسیعی از ابزارهای یادگیری الکترونیکی باعث ایجاد تغییرات متعددی در مؤسسات آموزشی شده است (Arkorful, 2015: 32)

یادگیری الکترونیکی علی رغم مزایایی که هنگام تحصیل در اختیار دارد، دارای معایبی نیز می باشد. مطالعاتی که معایب یادگیری الکترونیکی را شناسایی می کنند، علی رغم ادعاهایی که یادگیری الکترونیکی می تواند کیفیت آموزش را بهبود بخشد، استدلال می کنند که در دسترس قرار دادن مواد یادگیری به صورت آنلاین، یادگیری را فقط برای اشکال خاص ارزیابی جمعی بهبود می بخشد. در واقع بیشترین ادعای یادگیری الکترونیکی عدم وجود تعاملات شخصی حیاتی است. این امر نه تنها بین فراگیران و مربیان، بلکه همچنین در بین فراگیران همکار نیز هست. (Arkorful, 2015: 30) در مورد جایگاه و میزان تأثیر آموزش الکترونیکی باید توجه داشت که از کل ۲۵ مقاله علمی و تخصصی که از دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۷ استفاده شده و گروه های مورد مطالعه دانش آموزان و معلمانی بودند که از طریق آموزش الکترونیکی در روند یادگیری شرکت داشتند، نشان دهنده این مطلب است که آموزش یادگیری

الکترونیکی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد در مطالعه مستقل و انعطاف‌پذیر باشند، مهارت‌های فنی، تفکر انتقادی و مهارت‌های شناختی را توسعه دهند. همچنین معلمان را قادر می‌سازد تا رشد فردی و شغلی، رشد مهارت‌های فنی را داشته باشند. با این وجود، یادگیری الکترونیکی وقتی با تماس مستقیم دانش‌آموز و معلم / مربی همراه شود، مؤثرتر است. یادگیری الکترونیکی یک روش مکمل مناسب برای آموزش سنتی است که تمرین آموزشی فعلی به آن نیاز دارد (KURIPLACHOVÁ, 2019:47)

وضعیت کنونی آموزش در فضای مجازی موجبات آشنا شدن بسیاری از دانش‌آموزان با شبکه‌های اجتماعی شده است. کسانی که قبلاً به این فضا دسترسی نداشتند اینک با آن انس گرفته‌اند و بدون تردید جداکردن آنان از آن تقریباً غیرممکن است. در واقع موبایل به دلیل ویژگی‌های خاص خودش توانست در جوامع در حال توسعه مثل ایران بخشی از سنت‌های فرهنگی و قومی مربوط به ارتباطات و مراوده‌های میان افراد را شکسته و مردم برای رفع کاستی‌ها و موانع موجود در مسیر تعلقات و دلبستگی‌های خود به این وسیله پناه آورده و با اتکا بر ویژگی تحرک‌پذیری، انعطاف و امنیت روانی حاصل از آن در ارتباطات خود شبکه‌های از روابط جدید، دوستی‌ها و به کارگیری نوع ویژه‌ای از زبان آن هم بدون ترس از تنگناهای زمانی و مکانی را برای خود فراهم کنند. بر اساس این دیدگاه جنبه‌های فرهنگی موجود در جامعه از یک سو و نیازهای زیستی روانی و اجتماعی افراد از سوی دیگر سبب گرایش بیش‌ازپیش آنها به سمت فناوری‌های ارتباطی جدید در جهت جبران این کمبودها شده است؛ بنابراین ظرفیت موجود در این ابزارها از جمله موبایل می‌تواند فرایند اجتماعی شدن دانش‌آموزان را به نمایش می‌دهد چه زمینه تحول فرهنگی آرام و میان مسیر را فراهم کرده و آنها را دچار نوعی بحران هویت سازد. (موسوی، ۱۳۹۰: ۸۱)

در کلاس‌های درس در گذشته معلم به‌عنوان الگوی منحصر بفرد دانش‌آموزان در راستای دستیابی به الگوی هویتی آنان بودند. امروزه با وجود پیدا شدن رقبای جدی برای معلم هنوز هم معلمان می‌توانند در این حوزه نقش آفرینی کنند. به شرط آنکه از یکسری الزامات برخوردار باشند. در همین ارتباط هریس می‌گوید: تنها افراد دارای شخصیت خوب می‌توانند بر دیگران تأثیر مثبت بگذارند. تا زمانی که افراد گرفتار هواها و منیتهای هستند، نمی‌توانند از شخصیت خوب برخوردار شوند و کودکان این دوگانگی میان گفتار و رفتار معلم را به خوبی درک می‌کنند. در واقع، تأثیرگذاری شخصیت معلم بر دانش‌آموزان از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که شخصیت معلم و رفتار و گفتار او در نظر دانش‌آموزان نمونه شخصیت مقبول و رفتار و گفتار درست است. (داوودی، ۱۳۹۰: ۱۷۷) بدین ترتیب موفقیت یا شکست طرح‌ها، برنامه‌ها یا روش‌های تربیتی در مدارس، به‌ویژه در قلمرو سبک زندگی اسلامی دانش‌آموزان، بستگی به کیفیت ایجاد ارتباط معنی‌دار بین فرستنده و گیرنده پیام دارد. شناخت «نیاز»، «زمان»، «زبان» و تجربیات مخاطب و نحوه استفاده از نشانه‌ها و نمادها در برقراری ارتباط معنی‌دار می‌تواند در تسهیل انتقال مفاهیم و درونی ساختن ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۳) از آنجایی که بخش زیادی از اهداف نظام آموزش و پرورش کشور ما تقویت هویت مذهبی دانش‌آموزان هست، بسیاری بر این عقیده‌اند که برای ایجاد هویت مذهبی در جوانان باید مذهب را در کنار هنر و عرفان قرار داد و از عناصر سازنده و دلنشین هریک بهره‌وفی‌برد، همچنان که برای تعمیق اندیشه و پرورش خلاقیت مذهبی در انسان نسل جدید لازم است مذهب را در کنار علم و فلسفه مورد تحلیل قرار داد (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۱۹۹).

۱-۲. فضای مجازی و هویت بصری:

فرآیند نوسازی و جهانی شدن به دگرگونی های عمیق در زندگی انسان هزاره سوم ایجاد کرده است. امروزه کمتر جامعه ای را می توان پیدا کرد که از پیامدهای این فرایندها بی نصیب مانده باشد. فضای ایجاد شده نه تنها زندگی مادی بلکه ابعاد غیر مادی را نیز تحت تاثیر خود قرار داده و باعث فاصله گرفتن انسان ها از منابع هویت ساز سنتی خویش و روی آوردن آنها به شیوه های جدید زندگی و تفکر شده است. این عوامل سبب شده تا انسان ها در تعریف کیستی خود دچار شک و تردید شوند. جوانان را به طور خاص از این فضا بیشتر استفاده می کنند و آنها در فضای مجازی و اینترنت در حرکت هستند. از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی بهره بیشتری برده و مشتری کالاهای سوپرمارکت فرهنگ جهانی اینترنت قرار می گیرند. آنها از این فضاها می توانند به عنوان نوعی بازاندیشی در مورد خود شیوه زندگی و تفکر خویش استفاده کنند (بوستانی، ۱۳۹۰: ۴۳). اگر به این فضا نقش دوستان و همسالان را که در دوره نوجوانی قابل توجه هست، اضافه کنیم، تأثیرگذاری این فضا بیشتر خواهد شد. در واقع، تشکیل گروه دوستان و بحران هویت در اواخر نوجوانی روی می دهد، اریکسون این بحران را هنجارین می خواند؛ زیرا یک رویداد هنجار است. یعنی توصیف کننده یا توصیف تعیین کننده استانداردها. عدم موفقیت در پشت سر گذاشتن این مرحله دشوار باعث می شود که نوجوانان به یک هویت منسجم دست نیابند و از پراکندگی هویت رنج ببرند. سردرگمی هویت ممکن است خودش را به صورت نابهنجاری های رفتاری مثل فرار از خانه، بزهکاری و جنایت نشان دهد. حتی ممکن است در هویت جنسیتی و نقش جنسی مشکلات ظاهر شود. نوجوان ممکن است برای دفاع از خود در برابر پراکنده ترین نقش ها به فرقه های مختلف بپیوندد یا با قهرمان های مردمی همانندسازی کند. عدم تحمل تفاوت های فردی یکی از روشهایی است که نوجوانان از طریق آن تلاش می کنند از خودشان در مقابل احساس فقدان هویت محافظت کنند (سادوک، ۱۳۹۳: ۳۲۹).

همچنین، با گسترش فضای مجازی هویت یابی به سمت و سوی هویت بصری در شبکه های اجتماعی بویژه اینستاگرام کشیده شده است. چگونگی اشتراک عکس در سایت های شبکه اجتماعی در بیان هویت فرد کمک می کند. کاربران اینستاگرام از طریق عکاسی دیجیتال قاب، حاشیه نویسی و زندگی خود را با دیگران به اشتراک می گذارند. نتایج حاصل از یک مدل سریال واسطه چندگانه نشان می دهد که فراوانی ارسال افراد در اینستاگرام، نیاز آنها به هویت شخصی - بصری را پیش بینی می کند و این رابطه با عینی سازی خود و اعتماد به نفس انجام می شود. تحقیقات از ارتباط مثبت بین ارسال مکرر عکس در سایت های شبکه های اجتماعی و بیان هویت بصری پشتیبانی می کند. (O'Donnell, 2018: 131) جامعه شناسی بصری ادعا دارد که چشمانش را باز کرده است تا روش های در حال گسترش هویت یابی از طریق صفحه اسکیرین رایانه را تبیین کند. (Harper, 2012: 4)

به هر حال، هویت زمینه ای بحثی است که سال ها مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است: به ویژه در کارهای دانشمندان علوم اجتماعی مانند گافمن (۱۹۵۶) که در زمینه ساخت هویت در موقعیت های اجتماعی روزمره و اریکسون (۱۹۵۹) اولین کسی است که مراحل ایده پردازی را که هویت در طول زندگی ایجاد می شود، اشاره کرد. تحقیقات نشان داده که استفاده از شبکه های اجتماعی بر مقایسه ظاهر خانم ها، خلق و خو و رضایت از بدن زنان را تحت تأثیر قرار می دهد. همچنین استفاده از رسانه های اجتماعی بر رضایت بدن و مقایسه اجتماعی تأثیر می گذارد و اینستاگرام ممکن است به دلیل تمرکز خود بر عکس روی متن، یک پلت فرم ویژه مضرباشد. (Engeln, 2020: 44)

هاریپر در کتاب جامعه شناسی دیداری خود استدلال می کند که رویکردهای بصری می توانند در کشف معانی و ایده های جدید مفید باشند. او اهمیت تعامل عکاسی خانوادگی و مستند را در تعیین و انجام هویت ها، درگیر کردن بیننده از طریق سوژه و / یا ترکیب تصویر برجسته می کند (Marcella-Hood, 2020:25) اینستاگرام در زمینه مطالعات فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و بسیاری بر این باورند که این رسانه عکاسی آماتور را تغییر داده است و به نوعی در بافت زندگی روزمره غوطه ور شده است. این برای مخاطبان گسترده به طور فزاینده ای قابل دسترسی است. (Utekhin, 2017:185) به نظر می رسد موفقیت اینستاگرام بیانگر رشد فرهنگ بصری فزاینده بوده و. (Nunes, Silva 2018:645) S., طیف وسیعی از شیوه ها و موضوعات مرتبط، مانند تجارت و شوخ طبعی نیز به عنوان بخشی از فعالیت هایی است که در بستر اینستاگرام ثبت شده است (Leaver, 2018:31).

همچنین، در دنیای وبلاگ نویسی صنعت مد آنلاین اسلامی، فضاهای جدیدی برای بازاریابی و شبکه سازی برای وبلاگ نویسان مد مسلمان باز شده است. یکی از سیستم عامل های پرمصرف در این صنعت اینستاگرام است. این نرم افزار که به دلیل قابلیت دسترسی و امکان ایجاد فرصت های شبکه انبوه پوشیده شده است، به کاربران خود امکان دسترسی به فضاهای مختلف را می دهد. اگر سلیقه از ناسازگاری های اجتماعی و فرهنگی پدید می آید، بنابراین این امر همچنین به عنوان مفروضات اساسی فرهنگی اجتماعی عمل می کند که نحوه ارائه مارک های معتبر به مخاطبان خاص در بستر اینستاگرام از طریق مفاهیم غربی مصرف گرایی را شکل می دهد. (Waninger, 2015:48)

اینستاگرام به عنوان کالای سایبری می خواهد متحد شود و به موجودی در سبک زندگی جامعه تبدیل شود. ارتباطات بین انسانی در اینستاگرام می تواند در هر زمان از طریق اتصال آنلاین رخ دهد. تقریباً هر فعالیت کاربر را می توان در عرض چند ثانیه ضبط و منتشر کرد. اینستاگرام به عنوان یک رسانه تصویری قادر است نمادهای خاصی را به عنوان ابزاری برای تولید معنی از هویتی که منتقل می شود، ارائه دهد. (Kertamukti, 2019:31) چنین فضایی البته قابل کنترل نیست و می تواند مبانی ارزشی هویت نوجوان را دچار تردید کند و باعث تکوین هویتی شود که با اهداف نظام آموزشی کشور همخوانی نداشته باشد.

۲-۲. اهداف تعلیم و تربیت در نظام آموزش و پرورش:

در قرن ۲۱، انفجار فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده از دستگاه های دیجیتال را برای اهداف مختلف در دنیای کار، آموزش رسمی و غیر رسمی افزایش می دهد. (Kumar Basak, 2018:192) وقتی معلمان و دانش آموزان اطلاعات را درباره موضوعات و تجربیات ترکیب کنند، دیدگاه های مختلف قابل توجهی را سنجیده و پرسش های گوناگون را در اختیار بگیرند، آموزش می تواند تغییر شکل یابد. مربیان می توانند با پرورش فضاهای مهم یادگیری، چنین فضاهایی را ایجاد کنند که در آن دانش آموزان تشویق می شوند تا ظرفیت های تجزیه و تحلیل، تخیل، سنتز انتقادی، بیان خلاق، خودآگاهی و تعمد را افزایش دهند. آموزش الکترونیکی یکی از ابزارهای ناشی از فناوری اطلاعات، در بسیاری از برنامه های آموزشی دانشگاه ها ادغام شده است و از شیوه سنتی آموزش به محیط الکترونیکی تغییر یافته است. (Sultaniya, 2018:49)

استفاده روزافزون از فناوری در آموزش عالی و مدارس از اشکال مختلف یادگیری و حفظ دانش مانند یادگیری الکترونیکی پشتیبانی کرده است. روندهای جهانی حاکی از آن است که فراگیران از سراسر دنیا ترجیح می دهند متولی آموزش خود باشند و دائماً مزایای روش های جدید یادگیری را متناسب با نیازهای خود مرور می کنند. مزایا و معایب در یادگیری الکترونیکی فرصت های فراگیران و فناوری مورد استفاده را برجسته می کند. سیستم عامل های

جدید آموزش الکترونیکی به ما این امکان را می‌دهند که برخی از شکاف‌های موجود در طراحی و نحوه یادگیری را برطرف کرده و اطلاعات معنی‌دار، پایدار و به‌روز را به کاربران ارائه دهیم. (Macleod, 2017: 755)

یادگیری الکترونیکی به‌عنوان یک روش آموزش، دانش‌آموزان را تحت مراقبه، دور بودن و همچنین عدم تعامل یا رابطه قرار می‌دهد؛ بنابراین برای کاهش چنین تأثیراتی به مهارت مدیریت و انگیزه بسیار قوی نیاز دارد. باتوجه‌به توضیحات و تفسیرها، روش یادگیری الکترونیکی شاید کمتر از روش‌های سنتی یادگیری موثر باشد. فرآیند یادگیری به‌صورت حضوری با مدرسان یا معلمان بسیار آسان‌تر است.

همچنین، همه رشته‌ها نمی‌توانند به‌طور مؤثر از یادگیری در آموزش مجازی استفاده کنند. به‌عنوان مثال، تحصیل در زمینه‌های علمی که به تجربیات عملی نیاز دارند ممکن است از طریق آموزش الکترونیکی دشوارتر باشد. محققان استدلال کرده‌اند که یادگیری الکترونیکی در علوم اجتماعی و علوم انسانی مناسب‌تر از رشته‌هایی مانند علوم پزشکی و مهندسی است که در آنجا نیاز به توسعه مهارت‌های عملی وجود دارد. آموزش الکترونیکی همچنین ممکن است منجر به ازدحام یا استفاده زیاد از برخی از وب‌سایت‌ها شود. این ممکن است هزینه‌های پیش‌بینی نشده را از نظر زمانی و مالی به همراه داشته باشد. (Arkorful, 2015: 36)

از طرف دیگر و از آنجایی که نظام آموزشی کشور ما دارای وجوه ارزشی و فرهنگی درخوری است و ترویج این مبانی به منظور تربیت نسل مؤمن به اصول مذکور دارای اهمیت قابل‌توجهی است، دستیابی به این هدف در عرصه آموزش مجازی با چالش روبرو خواهد شد. در همین ارتباط صرف هزینه‌های هنگفت کشورهای غربی در جهت تضعیف ارزش‌های دینی - مذهبی، در شبکه‌های مجازی قابل‌ذکر است. به‌رحال نقش دین و جایگاه آن در زندگی بشر بر کسی پوشیده نیست و این امری عقلانی است که دین بر نحوه شکل‌گیری و برداشت افراد از معنا و هدف زندگی تأثیر داشته باشد. (Thompson, 1988: 261) همچنین برخی مانند ویلیام جیمز دین را به تجربه پیوند می‌دهند. وی معتقد است تجربه دینی این توانایی را دارد تا تعارض درونی خویش را در چارچوب امور متعالی بر طرف کند. (James, 2002: 225) تربیت دینی یکی از مؤلفه‌های مهم در امر آموزش به حساب می‌آید. در آموزه‌های دینی پیشرفت و تغییرات تنها در حوزه مسائل مادی و طبیعت خلاصه نشده بلکه در کنار پدیده‌های مادی و طبیعی که با حس ظاهری مشاهده می‌گردند؛ پدیده‌های ماورائی و غیر مادی نیز وجود دارند که توجه و اهتمام به آنها موجب تقویت معنای زندگی می‌شود. جهان مدرن که بیشتر به انسان از یک بعد یعنی بعد مادی تجربی نگاه می‌کند و هرچه در قالب حس و تجربه در آید درست و غیر از آن را نادرست می‌داند؛ درحالی که فرهنگ دینی علوم را می‌پذیرد که علاوه بر رفع نیازهای انسانی از مشروعیت اخلاقی و تربیتی نیز برخوردار باشد و به هویت انسانی و باورهای وی آسیب نرساند؛ بنابراین تربیت دینی یکی از مهمترین دغدغه‌های نظام آموزش کشور می‌باشد که این مهم باتوجه‌به تغییرات عصر جدید نیاز به برنامه‌ریزی مستمر و روزآمد دارد.

جامعه‌پذیری مدرسه ای یکی از راههای رسمی نظام آموزشی و به نوبه خود عنصری بسیار مهم در هویت بخشی و توانبخشی و یر عناصر فرهنگی که شامل ارزش‌ها و هنجارها به دانش‌آموزان است، می‌باشد. ورود پرستاب و گریزناپذیر فناوری‌های نوین از جمله موبایل و عرصه فرهنگی فرهنگ و آموزش و پرورش در کنار برخی جنبه‌های مثبت - که اشاره شد - دارای تأثیرات منفی بر جنبه‌هایی از رسالت نظام آموزش و پرورش کشور است و به تدریج چالش‌های را پیش روی کارگزاران فرهنگی و آموزشی در مدارس قرار می‌دهد و چاره‌اندیشی درباره آن لازم است. همچنین در سند تحول بنیادین در باره اهداف نظام آموزش و پرورش آمده که تعلیم و تربیت فرایندی تعالی جویانه، تدریجی، یکپارچه و

مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد زمینه‌های مناسب تکمیل و تعالی پیوسته در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه اسلامی فراهم می‌آورد. این هدف برخاسته از مبانی و ارزشهای مبتنی بر دین اسلام ناب محمدی یا سازگار با آن مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش‌هاست که ناظر به همه ابعاد زندگی انسان است. زیرا دین اسلام به همه عرصه‌های اجتماعی و فردی دنیای واقعی مادی و معنوی زندگی بشر پرداخته است. (نفی سکولاریسم) در پاره‌ای از این مسائل به عرضه برخی کلیات اکتفا کرده و نسبت به بخش دیگر جزئیات را نیز ارائه داده است. به‌رحال وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب بر اساس نظام معیار اسلامی است که تحقق آن باعث دسترسی به ایده آل زندگی یعنی قریبه‌الی الله خواهد بود. دین اسلام نیز جایگاه والایی برای تعلیم و تعلّم قائل است. به‌طوری‌که در اولین آیات وحی و همچنین بسیاری از آیات دیگر نیز از این موضوع سخن به میان آمده است. «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ.....» و یا آیه ۹ سوره زمر که می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» و آیات دیگری که انسان را دعوت به تفکر و تعقل می‌نماید. اسلام همه ابعاد شخصیت انسان را بررسی می‌کند. در تربیت اسلامی بعد ایمانی همراه با ابعاد دیگر شخصیت پرورش می‌یابد. به سخن دیگر؛ اسلام ضمن تقویت ایمان افراد، در پرورش جنبه‌های عقلانی، عاطفی، اجتماعی و بدنی نیز دستورالعمل‌های سودمند را به مسلمانان ابلاغ نموده است. (شریعت‌مداری، ۱۳۶۹: ۴۶) در همین رابطه شهید مطهری معتقد است در تربیت صحیح در کنار عواملی مانند تعقل و تفکر و تعلّم، بر تقوا و تزکیه نفس نیز تاکید می‌کند. (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۱۰) اما آنچه امروزه در امر تعلیم و تربیت مشاهده می‌شود؛ استفاده از روش‌های مکانیکی و فنون آموزشی که اغلب وابسته به منابع بیرونی و ابزارهای خشک و بی‌روح علمی است تربیت را از جوهره اصلی و مایه‌های درونی آن تهی ساخته است. در این میان تنها عنصر ذی روح و تنها عامل انسانی و معنوی در قلمرو آموزش و پرورش، معلم است که باید با منش و رفتار و وجود و عواطف خود با دانش‌آموزان سخن بگوید تا با زبان وجود خود، وجود دانش‌آموزان را شکل دهد. اما می‌بینیم که بتدریج این عنصر ذی روح، خود وابسته به عناصر جامد و عوامل ابزاری درون مدرسه ای شده است. به‌جای تکیه بر روش‌های تربیت درونی و به‌جای استفاده از رفتارهای وجودی و غیر کلامی فقط به تکنیک‌های تغییر رفتار - آن هم در قلمرو مکتب رفتارگرایی که اساس شکل‌دهی شخصیت را بر شرطی‌سازی و پیوند محرک و پاسخ گذاشته‌اند - روی آورده و از ظرایف و لطایف نهفته در تربیت درونی که برخاسته از روح فرهنگ اشرافی و عرفانی است دوری جسته است. (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۲۸) این مهم با وجود آموزش در فضای مجازی که گاهی اوقات کاملاً یکطرفه و مکانیکی می‌شود، نمی‌تواند دانش‌آموز را به سمت الگوی هویتی موردنظر هدایت کند و چه بسا طبق نظر اریکسون دچار سرگشتگی هویت نیز می‌نماید.

در اینجا نباید از نقش سکاندار اصلی یعنی معلم غفلت نمود. از نظر بسیاری معلم گذشته از سمت تدریس، راهنما و مددکار دانش‌آموزان نیز هست. هرچند عده‌ای از مریبان علوم تربیتی نقش آموزشی معلمان را نقشی حساس می‌دانند ولی گروهی دیگر جنبه ارتباطی آموزش را در درجه اول اهمیت تلقی می‌کنند. در طی روز معلم با دانش‌آموزان تماس مداوم دارد و شاید نحوه این گونه تماس‌ها مهم‌تر از بهره‌گیری او از فعالیتهای آموزشی خاص باشد. (اسپادک، ۱۳۷۲: ۲۳) به‌رحال رفتار معلم در کلاس درس، سطح معلومات، نحوه برخورد با دانش‌آموزان و... در تأثیرگذاری معلمان در امر آموزش و پرورش مهم می‌باشد. در همین ارتباط، در ایران پس از اسلام، مدارس معمولاً در شهرهایی تأسیس می‌شدند که معلمی برجسته حضور داشت. طالبان علم از شهرها و روستاهای مختلف برای بهره‌مند شدن از علم نزد او گرد می‌آمدند و حلقه‌ای علمی تشکیل می‌شد. از این رو معلم در نظام سنتی این مرز و بوم

از جایگاه برجسته ای برخوردار بوده است. معلم به تنهایی وظایف مدیریت نهاد آموزشی را برعهده داشته، سیاستها و خط مشی های کلی آن را تعیین، برنامه درسی را تدوین، کتاب و محتوای درسی را تهیه می کرده است. افزون بر آن، در گذشته، در جامعه ای سنتی مانند ایران، عوامل تربیتی بیرون از مدرسه بسیار محدود بود؛ نه از رادیو و تلویزیون و ماهواره ها خبری بود و از اینترنت و شبکه های اجتماعی، روزنامه ها و مجلات هم اثری نبود. از سوی دیگر، عوامل مؤثر بر تربیت در گذشته هیچ گونه تعارضی با آموزه های مدرسه نداشت (داوودی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بنابراین در نظام آموزشی قدیم، معلم در کنار خانواده نقش حداکثری را در تربیت فرزندان و به تبع آن ارائه الگوی هویتی به آنان بر عهده داشته اند.

اما با تحولاتی که در جوامع جدید به وجود آمده، نهاد تعلیم و تربیت رسمی یعنی مدرسه و معلم، رقیبانی سرسخت و قوی مانند رادیو و تلویزیون، مجله ها، شبکه های اجتماعی، ماهواره ها، کتاب ها و برنامه های صوتی و تصویری پیدا کرده است. بدین ترتیب، سپهر تربیتی در جوامع جدید گسترش یافته و عوامل بیشتری وارد صحنه تربیت شده اند. با این مقدمه، تغییرات به وجود آمده در صحنه تربیت توسط معلم در نظام جدید متفاوت شده است. بدین معنی که مهارت های مورد نیاز معلم در مقایسه با نظام سنتی کاهش یافته است؛ زیرا بسیاری از کارهایی که در سابق برعهده وی بود، امروزه به افراد دیگری واگذار شده است. دوم اینکه، استقلال معلم در مقایسه با نظام آموزش و پرورش سنتی کاهش یافته است. معلم در نظام جدید در صورتی موفق است که اهداف تعیین شده در مدرسه تحقق بخشد. و خود این مسئله باعث شده تا تاثیرگذاری معلم نسبت به نظام سنتی کمتر شود (داوودی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). البته این به این معنی نیست که معلم در نظام جدید هیچ گونه تأثیری در تربیت ندارد یا اینکه هنوز یک تاز این میدان است؛ بلکه بدین معنی است که در عرصه تعلیم و تربیت رقبای دیگری نیز در کنار معلم نقش آفرینی می کنند. شاید به همین دلیل است که بسیاری به نقش برتر معلم در این امر اعتقاد دارند و مدعی اند که معلم در این راه باید دانسته های علمی، رفتاری و روان شناسی خویش را به روز کند. به عبارت دیگر، معلم که نقش جاندار ساختن آموزش را بر عهده دارد نباید فقط علم خود را بداند و اطلاعات ناچیزی درباره جزئیات تحول روان شناختی هوش کودک یا نوجوان داشته باشد. بلکه باید به ایفای نقش آزمایش کننده و واریسی کننده عملی تحول روانی بپردازد تا بتواند روش های فعال را به کار بندد (پیاژه، ۱۳۷۱: ۳۲). بنابراین و با توجه به نظریه اریکسون هویت یابی نوجوان در دوران بلوغ متأثر از عوامل متعدد است که برخی از آنها ریشه در کودکی دارند و برخی از آنها نیز متأثر از فضای فرهنگی اجتماعی بویژه همسالان و تابید آنان بستگی دارد. جذابیت های شبکه های اجتماعی، دسترسی قشر انبوهی از یادگیرندگان به گوشی های اندروید، افزایش پهنای باند اینترنت در کشور، نداشتن سواد رسانه ای در میان قشر کم برخوردار همه و همه باعث پر رنگ شدن نقش زمینه های اجتماعی - فرهنگی هویت یابی در میان فراگیران و نوجوانان خواهد شد.

۳. نتیجه گیری:

یافته های این مقاله نشان می دهد که دنیای مدرن با سرعت حیرت آوری در حال گسترش فناوری های خود به اقصی نقاط گیتی است. این فناوری ها ضمن افزایش سرعت در زندگی برای انجام امور، با سرعتی دوچندان ارزش ها و فرهنگ های ملل مختلف را نیز دگرگون می کند. سخن از دهکده جهانی به منزله ارتباطات نزدیک ابناء بشر با همدیگر بوده که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری افراد را افزایش داده است. در این میان هویت یابی نوجوانان نمی تواند بدون تأثیرپذیری از این فرایند باشد. زمینه های فناوری، اجتماعی و فرهنگی در تکوین این هویت حائز اهمیت است. به

همین دلیل دستیابی به هویت از ویژگی‌های مهم رشد روانی - اجتماعی دوره نوجوانی است. انتخاب ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی مشخصه‌های اصلی این هویت را شکل می‌دهند و این ارزش‌ها در طول زندگی ممکن است بارها مورد تجدیدنظر قرار گیرند. اریکسون معتقد است که شکل‌گیری هویت خیلی پیش از دوره نوجوانی شروع می‌شود و در واقع نتایج موفقیت‌آمیز مراحل قبلی رشد روانی - اجتماعی، راه را برای حل موفقیت‌آمیز تعارضات دوران نوجوانی که «شکل‌گیری هویت در مقابل اغتشاش هویت» می‌باشد، هموار می‌کند. فضای مجازی در کنار جنبه‌های مثبت آن، به دلیل نداشتن برنامه‌ریزی قبلی، نداشتن سواد رسانه‌ای کافی برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها، دسترسی بی‌سابقه گوشی‌های مجهز و وجود شبکه‌های اجتماعی دارای ویژگی‌های خاص خود می‌تواند تلاش‌های نظام آموزش و پرورش کشور را در راستای معرفی الگوی هویتی مطلوب و مورد انتظار با چالش مواجه سازند. از طرف دیگر دانش‌آموزان نیز به دلیل نداشتن نظم خاصی در این شبکه‌ها و وجود آزادی نسبی در آن طبق نظریه اریکسون دچار بحران هویت می‌شوند. با نگاهی به تحولات هزاره سوم و پیشرفت آنی وسایل ارتباطی در این حوزه لزوم نگاه کارآمدتر و به‌روزتری را در این مقطع حساس و برنامه‌ریزی برای سال‌های آتی را می‌طلبد. پیشنهاد می‌شود که دست اندرکاران نظام آموزش و فرهنگی کشور نگاه ویژه و حرفه‌ای به مقوله شبکه‌ای اجتماعی انداخته و برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی به منظور آگاه‌سازی افراد از این فضا طراحی نمایند. بدون تردید از بهترین راهکارهای مقابله با ابعاد و جنبه‌های منفی فضای مذکور آگاهی و شناخت درباره آن می‌باشد.

منابع:

- اتکینسون، ریتا ال و همکاران (۱۳۸۴). **زمینه روان‌شناسی هیلگارد**؛ ترجمه حسن رفیعی. تهران: ارجمند.
- اسپاک، بنیامین (۱۳۶۴). **تغذیه تربیت کودک**؛ ترجمه مصطفی مدنی. تهران: گلشن.
- برک، لورای (۱۳۸۵). **روان‌شناسی رشد**؛ ج دوم، ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران.
- بوستانی، داریوش (۱۳۹۰). «**جوانان و هویت بازاندیشانه مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان**»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره پنجم، شماره ۱.
- پیاژه، ژان (۱۳۷۱). **تربیت ره به کجا می‌سپرد**؛ ترجمه دکتر منصور و دادستان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفریان، هادی و حسام‌الدین مؤیدیان (۱۳۹۶). «**اثربخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان**»، **فصلنامه سبک زندگی**، سال پنجم، شماره ۱۶.
- خسروی سرشکی، راضیه (۱۳۹۶). **نقش متقابل آموزش حضوری و مجازی در ارتقای سطح آموزش‌های دینی**؛ **فصلنامه سبک زندگی**، سال پنجم، شماره ۱۶.
- خضری، مجتبی، وحدانی، محبوبه و محمود پور، عبدالباسط (۱۳۹۹). «**مطالعه نقش آموزش مجازی در روابط بین‌فردی ادراک شده دانش‌آموزان نسبت به معلمان**». **پژوهش‌های مشاوره**، جلد ۱۹، شماره ۷۶.
- داوودی، محمد (۱۳۹۰). **نقش معلم در تربیت دینی**؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زارع، حسین، علیمرادی، مهتاب، رحمانیان، مهدیه (۱۳۹۹). «**اثربخشی مهارت‌های زندگی بر وابستگی به فضای مجازی و قلدری سایبری در منطقه سه شهر تهران**». **پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی**، سال هشتم، پاییز ۹۹

سادوک، بنجامین (۱۳۹۳). خلاصه روان‌شناسی کاپلان و سادوک؛ ج ۱، ترجمه مهدی گنجی. تهران: ساوالان سجادى، سید مهدی (۱۳۸۴). «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی (کاستی‌ها و قابلیت‌ها)». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۱، سال چهارم.

طباطبایی، صادق (۱۳۷۷). طلوع ماهواره‌ها و افول فرهنگ؛ تهران: انتشارات اطلاعات علی‌پور، احمد و عذرا شالباف (۱۳۸۷). «اخلاق آموزش مجازی». فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، سال سوم، شماره ۱ و ۲.

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت نامرئی؛ تهران: نشر عابد.

کرین، ویلیام (۱۳۹۶). نظریه‌های رشد؛ ترجمه غلامرضا خوی نژاد و علیرضا رجایی. تهران: رشد.

کمرزین، حمید (۱۳۹۳). روان‌شناسی رشد ۲؛ تهران: دانشگاه پیام‌نور.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: انتشارات الزهرا.

موسوی، کمال‌الدین، جمالی، فرشاد (۱۳۹۳). «تجربه و تحلیل رابطه میان استفاده از موبایل و جامعه‌پذیری مدرسه با تاکید بر دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان کوهدشت لرستان سال (۱۳۹۰)»، مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال دوازدهم شماره ۱۵.

یزدانی، فریدون (۱۳۹۳). «سنجش اثربخشی نظام آموزش مجازی ضمن خدمت فرهنگیان»، فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال پنجم، شماره دوم.

منابع لاتین:

Arkorful, V., & Abaidoo, N. (2015). The role of e-learning, advantages and disadvantages of its adoption in higher education. *International Journal of Instructional Technology and Distance Learning*, 12(1), 29-42.

Engeln, R., Loach, R., Imundo, M. N., & Zola, A. (2020). Compared to Facebook, Instagram use causes more appearance comparison and lower body satisfaction in college women. *Body Image*, 34, 38-45.

Erikson, E. H. (1958). Identity and the Life Cycle. (1994 ed.).

Erikson, E. H. (1959). Identity and the life cycle: Selected papers.

Erikson, E. H. (1994). *Insight and responsibility*. WW Norton & Company.

Erikson, Erik. "H. 1963. Childhood and society." *New York: Nor-ton. Erikson Childhood and Society* 1963 (1950).

Harper, D. (2012). *Visual sociology*. Routledge.

James, W. (2002). *The Varieties of Religious Experience*. Centery edition. London; New York: Routledge.

Kertamukti, R., Nugroho, H., & Wahyono, S. B. (2019). Kontruksi Identitas Melalui Stories Highlight Instagram Kalangan Kelas Menengah. *Jurnal Aspikom*, 4(1), 26-44.

Kimiloglu, H., Ozturan, M., & Kutlu, B. (2017). Perceptions about and attitude toward the usage of e-learning in corporate training. *Computers in Human Behavior*, 72, 339-349.

- Kumar Basak, S., Wotto, M., & Belanger, P. (2018). E-learning, M-learning and D-learning: Conceptual definition and comparative analysis. *E-Learning and Digital Media*, 15(4), 191-216.
- KURIPLACHOVÁ, G., KOVÁČKOVÁ, G., MAGUROVÁ, D., & KENDROVÁ, L. (2019). Advantages and Disadvantages of E-learning in Nursing Teaching Process. *Journal of Health Systems and Policies*, 1(2), 45-54.
- Leaver, T., & Highfield, T. (2018). Visualising the ends of identity: pre-birth and post-death on Instagram. *Information, Communication & Society*, 21(1), 30-45.
- Macleod, J., & Kefallonitis, E. (2017). Trends affecting e-learning experience management. In *Strategic innovative marketing* (pp. 753-758). Springer, Cham.
- Marcella-Hood, M. (2020). Instagram versus reality: the design and use of self-curated photo elicitation in a study exploring the construction of Scottish identity amongst personal style influencers on Instagram. *Qualitative research*, 1468794120934404.
- Marcia, J. E. (1980). Identity in adolescence. *Handbook of adolescent psychology*, 9(11), 159-187.
- Moshman, D. (1998). Identity as a theory of oneself. The genetic epistemologist. *The Journal of the Jean Piaget Society*, 26(3).
- Nunes, S., Silva, I. B., Ampuero, M. R., Noronha, A. L. L. D., Souza, L. C. L. D., Correia, T. C., ... & Tavares, N. M. (2018). Integrated analysis reveals that miR-193b, miR-671, and TREM-1 correlate with a good response to treatment of human localized cutaneous leishmaniasis caused by *Leishmania braziliensis*. *Frontiers in immunology*, 9, 640.
- O'Donnell, N. H. (2018). Storied lives on Instagram: Factors associated with the need for personal-visual identity. *Visual Communication Quarterly*, 25(3), 131-142.
- Radović-Marković, M. (2010). Advantages and disadvantages of e-learning in comparison to traditional forms of learning. *Annals of the University of Petroșani, Economics*, 10(2), 289-298.
- Srivastava, P. (2019). Advantages & disadvantages of e-education & e-learning. *Journal of Retail Marketing & Distribution Management*, 2(3), 22-27.
- Sultaniya, M. K. (2018). Advantages & Disadvantages of E-Education & E-Learning.
- Thompson, S. C., & Janigian, A. S. "Life schemes: A framework for understanding the search for meaning", *Journal of Social and Clinical Psychology*, 7(2/3), 260-280, 1988.
- Utekhin, I. (2017). Small data first: pictures from Instagram as an ethnographic source. *Russian Journal of Communication*, 9(2), 185-200.
- Waninger, K. (2015). The veiled identity: hijabistas, Instagram and branding in the online Islamic fashion industry.